

بقایی، محمد، ۱۳۵۶ -
خداحافظ بیکاری : راهنمای گام به گام از انتخاب شغل مناسب تا موفقیت شغلی و کسب ثروت/
نویسنده محمد بقایی.
تهران : نسل نواندیش ، ۱۳۹۶.
۱۲۸ ص. +
۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۸۵۹-۴

فیبا

راهنمای گام به گام از انتخاب شغل مناسب تا موفقیت شغلی و کسب ثروت.

موفقیت شغلی

Career development

راهنمایی شغلی

Vocational guidance

علاقه‌های شغلی

Vocational interests

۱۳۹۶ ۴۷۰۳۸۱HF

۳۷۱/۴۲۵

۱۳۹۶۵۱

خداحافظ بیکاری

نویسنده: محمد بقایی

ویراستار: پروش طلایی

صفحه‌آرا: الهه ایمنی - سمیه منتظری

طراح جلد: ندا ایمنی

بازخوان نهایی: مهسا درویش

ناشر: نسل نواندیش

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۶-۸۵۹-۴

ISBN: 978-964-236-859-4

کتاب‌های مورد نیاز خود را از فروشگاه انتشارات نسل نواندیش تهیه فرمایید.

نشانی فروشگاه نسل نواندیش: میدان ولیعصر - ابتدای کریمخان - پلاک ۳۰۸

تلفن: ۸۸۹۴۲۲۴۷ - ۹

www.naslenowandish.com

info@naslenowandish.com



NasleNowAndish

انتشارات نسل نواندیش

<https://telegram.me/naslenowandish>

فهرست

مقدمه	۱۵
پیشگفتار	۱۷
چرا انتخاب شغل مناسب مهم است؟	۲۳
من کیستم؟	۲۵
استعداد شغلی من کدام است؟	۲۷
تقسیم‌بندی استعداد	۲۹
به چه کاری بیشتر علاقه دارم؟	۳۱
آزمون رغبت‌سنجی هالند	۳۳
چگونه با شغل‌ها آشنا شویم؟	۴۷
فرم مصاحبه اطلاعاتی	۴۹
تحلیل اطلاعات	۵۳
انواع حالت‌های شغلی	۵۵
استخدامی	۵۷
خوداشتغالی	۶۹
کارآفرینی	۹۵
مراحل فرایند کارآفرینی	۹۹
مرحله اول: تشخیص فرصت	۱۰۱
مرحله دوم: تمرکز بر فرصت	۱۰۳

- ۱۰۵..... مرحله سوم: آماده کردن یک طرح شغلی
- ۱۰۹..... مرحله چهارم: اجرای طرح
- ۱۱۳..... کسب و کار خانگی
- ۱۱۵..... کار پاره وقت (شغل دوم)
- ۱۱۹..... نکاتی درباره اشتغال زنان
- ۱۲۵..... سخن پایانی
- ۱۲۷..... منابع

مقدمه

بهشت یا جهنم، انتخاب با شماست

جهنم یعنی مشغول شدن به کاری که به آن علاقه ندارید و حتی گاهی هم از آن متنفرید. بسیاری با اشتغال به کاری که از آن لذت نمی‌برند، زندگی خود را به اردوگاه کار اجباری تبدیل می‌کنند. به کاری مشغول شوید که از آن لذت می‌برید یا کاری کنید تا شغل فعلی‌تان برایتان لذت‌بخش شود و بدین ترتیب مرزهای تفریح و کار، شغل و تعطیلات را میان برداشته می‌شود. مدام از خود بپرسید کدام کار بیشتر درآمد دارد و صرفاً به دلیل ترس از اینکه ممکن است دیگر فرصت بهتری به دست نیاورید، با اولین فرصت شغلی چنگ نیندازید. این‌ها ملاک‌های مناسب برای انتخاب شغل‌تان نیست. به درون خود مراجعه کنید و از خود بپرسید به کدام کار علاقه دارید و عشق می‌ورزید، آنگاه آن را انتخاب کنید و مشغول به کار شوید. اما این اقدام به شجاعت، اعتماد به نفس و صبوری احتیاج دارد، چون همیشه در انسان‌ها باوری محدودکننده وجود دارد که مدام به آن‌ها می‌گوید حق انتخاب ندارند

و مجبور هستند برای کسب درآمد به هر کاری تن بدهند. آدم‌ها دوبار ازدواج می‌کنند و «انتخاب شغل» ازدواج دوم آن‌هاست. تصور زندگی با کسی که به او علاقه ندارید وحشتناک است. شما با کارت‌ان ازدواج می‌کنید. آیا آن را دوست دارید یا از روی اجبار آن را انتخاب کرده‌اید؟ کاری را انتخاب کنید که عاشقش باشید. شما با شریک زندگی‌تان یک عمر زندگی می‌کنید و با کارت‌ان یک عمر زندگی‌تان را می‌گذرانید.

ازدواج «عشق» با «کار» ثمره‌ای به نام «شاهکار» دارد. به شاهکارهای بزرگ تاریخ نگاه کنید، عشق همیشه جزء جدانشدنی آن‌ها بوده است. بدون عشق هیچ شاهکاری زاده نمی‌شود.

مسعود لعلی

پیشگفتار

روزانه افراد زیادی روزنامه را به قصد مرور نیازمندی‌های بخش آگهی‌های استخدامش می‌نهند.

دفاتر کاریابی مملو از پوشه‌های مشخصات افراد جویای کار است.

هر ساله هزاران نفر به جست‌وجوی کار در کشور افزوده می‌شود.

جوانان به قصد آینده بهتر و به دست آوردن شغل مناسب، راهی دانشگاه

می‌شوند بدون اینکه هدف مشخصی برای خود تعیین کرده باشند، غافل از اینکه:

- از هر ۱۰۰ دانشجو ۳۰ نفر ترک تحصیل می‌کنند.

- $\frac{1}{3}$ دانشجویان به رشته تحصیلی خود علاقه ندارند.

- ۷۵٪ از بیکاران جامعه تحصیلات دانشگاهی دارند.

اگر به تاریخچه کار و شغل نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که در گذشته مشکلی به‌عنوان به چه شغلی مشغول شویم وجود نداشت، زیرا اکثر

فرزندان پیشه پدران خود را دنبال می کردند و از راه شغل پدری خود کسب روزی می کردند.

رفته رفته با گذشت زمان و پیچیده تر شدن جوامع، شغل های جدیدی به وجود آمد که به تحصیلات و مهارت هایی خاص نیاز داشت، از این رو دولت ها به فکر پرورش افراد با مهارت های مورد نیاز جامعه افتادند. مدارس رشد کرد، رشته های مختلف به وجود آمد و دانشگاه ها با رشته های تحصیلی مختلف ایجاد شد. افراد در مقاطع مختلف به تحصیل پرداختند و به محض اتمام تحصیل، حباب بازار کار آن هم از نوع دولتی شدند و از حقوق و مزایای خاص برخوردار شدند. بازار کاری که در مقایسه با شغل های سنتی مثل کشاورزی یا صنایع دستی، به مراتب راحت تر بود و درآمدی بالاتر داشت. کم کم تب اشتغال به کارهای این چنینی فراگیر شد و جوانان دریافتند که فقط و فقط با درس خواندن و رفتن به دانشگاه می توانند به آینده شغلی خوب، مطمئن و راحت دست پیدا کنند. لیکن متأسفانه، به سبب در نظر نگرفتن تناسب نیاز جامعه و افراد تحصیل کرد، رفته رفته بر جمع فارغ التحصیلان دانشگاهی که به دنبال کار بودند افزوده شد.

اگر واقع گرایانه به این مقوله نظر بيفکنیم، متوجه می شویم که دانشگاه ها به بنگاه های اقتصادی ای تبدیل شده اند که به جای در نظر گرفتن دانشجو، او را به معنای واقعی کلمه، مشتری می پندارند.

البته از آن طرف هم میلیون ها جوان هجده ساله تصور می کنند اگر به دانشگاه نروند، زندگی شان نابود می شود، بی ارزش می شوند، نمی توانند کار پیدا کنند، ازدواج کنند و زندگی خوبی داشته باشند. از این رو پدر و مادرها تمام تلاش خود را می کنند تا فرزندانشان برای رسیدن به بالاترین درجاتی که خودشان به آن نرسیده اند، هیچ فرصتی را از دست ندهند. آن ها میلیون ها تومان برای کتاب و دانشگاه هزینه می کنند تا فرزندشان بر درس خواندن تمرکز کند و مدرک خوبی بگیرد تا وارد شغلی خوب شود و در آینده موفق باشد.

اما آیا واقعاً این چنین است؟ یعنی برای دستیابی به شغل خوب و در نهایت داشتن یک زندگی خوب باید تحصیلات دانشگاهی داشت؟ مگر تمام کسانی که زندگی خوب برای خود ساخته اند، تحصیلات عالی دارند؟ یا مگر تمام کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند در بهترین شغل ها مشغول به کار هستند و شرایط زندگی شان خوب است؟

اگر به آمار نگاهی بیندازیم، درمی یابیم تعداد بسیار کم از مدرک دانشگاهی به مراتب بیشتر از دارندگان مدارک پایین تر است. تحقیقات نشان می دهد که با توجه به حرفه ای شدن مشاغل، تقریباً ۶۵٪ مشاغل به دو سال تحصیل یا آموزش و فقط ۲۰٪ به مدرک کارشناسی یا بالاتر نیاز دارد و مابقی به تحصیلات یا آموزش خاص نیاز ندارد. از آن طرف هم با نگاه آماری به موقعیت های شغلی ثبت شده در کاربایی ها، متوجه

می‌شویم که بسیاری از این فرصت‌های شغلی هنوز منتظر مراجعه کارجویان هستند.

اما به‌راستی اشکال کار در کجاست و چرا این قدر آمار بیکاری در کشور ما بالاست؟

در جواب باید گفت که بسیاری از جوانان:

- نمی‌دانند دنبال چه هستند.
- نمی‌دانند هدفشان از زندگی چیست.
- نمی‌دانند چه کار شغلی مشغول شوند.
- شغل متناسب با روحیات، استعدادها، علایق، توانایی‌ها و ارزش‌هایشان کدام است.

در این کتاب، سعی شده است فارغ‌الر اینکه میزان تحصیلات افراد چقدر است، به آن‌ها کمک شود گام‌به‌گام به شغل مناسب خود دست یابند و البته با به کار بردن راهکارهای عملی پله‌های موفقیت را هم طی کنند. این کتاب حاصل تجربه عملی و همچنین تحقیق و مشاوری در زمینه شغلی است.

همچنین در این کتاب، سعی شده است از آوردن مطالب کلیشه‌ای و نظری که در بسیاری از کتاب‌ها و مجلات ارائه شده است (که البته بسیاری از آن‌ها ترجمه متون خارجی است) و با فرهنگ و اقتصاد ما سنخیت ندارد، خودداری شود و در عوض مطالب کاربردی و عملی به زبان ساده گنجانده

شود که در صورت عمل به آن‌ها، موفقیت فرد تضمین خواهد شد. ضمناً، راهکارهای ارائه شده در این کتاب تقریباً با همه نوع شغلی تناسب دارد، بدین‌رو از آوردن مثال خودداری شده است تا خواننده با شغل مورد نظر خود تطبیق پیدا کند و دچار سردرگمی نشود.

امید داریم مطالب کتاب به گونه‌ای باشد که کمی از معضلات کاری‌ای را که در این مملکت وجود دارد حل کند.

در پایان، ذکر این نکته ضروری است که در رابطه با شغل و انتخاب شغل، کتابی که به‌طور عمده راهگشای افراد جویای کار باشد وجود نداشت، بدین سبب بر آن شدیم تجربیات خود و تحقیقات چندین ساله‌ام را به رشته تحریر درآورم. از این‌رو، چنانچه نقیسه‌ای مشاهده شد آن را به حقیر ببخشید و با راهنمایی‌های خود، من را برای ارائه کتابی بدون عیب و ایراد کمک و یاری بفرمایید.